وصیت من

تألیف:

دکتر عائض القرنی

مترجم:

عبدالله ریگی احمدی



سنی بوک ـ کتابخانه مجازی اهل سنت
www.SunniBook.net

پیشگفتار

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه أجمعین.

این کتابچه تحت عنوان «وصیت من» تقدیم می‌گردد:

ـ اولین چیزی که بدان توصیه می‌کنم یگانه دانستن الله است، چرا که توحید مهم‌ترین رکن اسلام و پایه اساسی دین است و بدون آن هیچ تلاش و عبادتی مقبول نیست و هیچ سفیری از جانب خدا نیامده مگر قبل از هر چیزی به توحید الهی دعوت نموده است. پس باید فقط الله را فریاد زد و او را سجده نمود و از وی ترس و امید داشت و هنگام دعا مخلصانه او را خواند و باید گفت:

«**أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَـهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُـهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً**» «گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست. الله را بعنوان رب و اسلام را بعنوان دین و محمد را بعنوان پیامبر پذیرفته ام».

باید دانست که ما برای عبادت خدا یعنی پیروی از دستورات وی و پرهیز از چیزهایی که منع کرده است آفریده شده‌ایم. پس می‌طلبد که مهمترین مسأله زندگی ما مراقبت الهی و تقوای وی باشد. و نباید فراموش کرد که رمز سعادت و راز بندگی، یگانه دانستن الله و پیروی از رسول اکرم است.

ـ همچنین شما را در مورد نماز؛ دومین رکن دین و ستون فقرات اسلام توصیه می‌کنم. نخست باید شرائط و ارکان و واجبات نماز را یاد گرفت. سپس آنرا به بهترین و کامل‌ترین وجه در اول وقت و با جماعت و آرامش و خشوع ادا نمود. یکی از بارزترین علایم انسان مؤمن، پایبندی به تکبیر اولی و حضور در صف اول نماز می باشد. و تجربه

ثابت کرده که هر کس برای شرکت در نماز جماعت سهل انگاری کند در بندگی خدا سست شده، در سایر امور زندگی دچار افراط و تفریط و بی نظمی می‌گردد.

ـ در مورد کتاب خدا، قرآن، توصیه می‌کنم که این کتاب بزرگ و مقدس را فراموش نکنید. آنرا بگونه‌ی شایسته تلاوت نمائید. چه خوب است اگر روزانه یک جزء با ترتیل و تدبر تلاوت شود بگونه‌ای که به اوامر و نواهی آن توجه نموده و با تکرار و مکث، آنها را بخوانید و فکر کنید که همنشین خدا هستید و خالق آسمان و زمین بوسیله‌ی این کلام مقدس با شما سخن می‌گوید.

ـ همچنین شایسته است به احادیث و سنتهای رسول الله**ص** آگاهی داشته باشید. حداقل روزانه یک یا دو حدیث بخوانید. و پیشنهاد می‌کنم که در احکام از کتاب «بلوغ المرام» و در اخلاق و فضایل از کتاب «ریاض الصالحین» استفاده شود.

ـ و چه خوب است که زبان انسان مؤمن با ذکر خدا، تر و تازه باشد. همیشه «**سبحان الله، الحمد لله، لا إله إلا الله والله أکبر**» و اذکار و دعاهای مسنون را زمزمه کنید.

ـ و ممکن نیست انسان در زندگی و کارهای خود جدی باشد مگر اینکه در محدوده‌ی روزی که در آن بسر می‌برد زندگی کند. وقتی صبح کردی منتظر غروب مباش و چون غروب کردی منتظر صبح مباش. و بعد از نماز فجر برای خود برنامه‌ای ترتیب دهید و بر اساس آن عمل نمایید. بامداد را با ذکر شروع کنید سپس به مقدار معمول تلاوت نمایید و اگر دانش آموز و طلبه هستید برای رفتن به مدرسه و اگر کارمند و یا دارای شغل آزاد می‌باشید برای رفتن به محل کار خود، آمادگی کنید. چرا که رسول اکرم **ص** دعای برکت کرده در حق کسیکه صبحگاهان برای کار و کوشش بیرون شود: «**اللَّهُمَّ بَارِكْ لأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا**» و بهترین وقت برای درس خواندن، حفظ کردن و طلب روزی، صبحگاهان است.

ـ توصیه می‌کنم که انسان مؤمن در کارهایش میانه رو و معتدل باشد راه افراط و یا تفریط را در پیش نگیرد. **حق پدر و مادر را نادیده نگیرد، چرا که آنها در اسلام دارای**

جایگاه بسیار والائی هستند. گاهی یک بوسه زدن بر دستان پدر و مادر باعث از بین رفتن گناهان زیادی می‌گردد. پس توصیه می‌کنم که نسبت به پدر و مادر مهربان باشید و برده‌ی حلقه به گوش و خادم آنان بوده، رضایت پروردگار را با جلب رضایت آنان بدست آورید.

ـ با همه‌ی مسلمانان خوش اخلاق و خوش برخورد باشید و بدانید که یکی از حقوق الهی بر بندگان این است که نسبت به دیگر بندگانش مهربان باشیم و نفع و ضرر آنان را در نظر داشته باشیم چرا که بندگان، عیال خدا محسوب می‌شوند. و خدا بنده‌ای را بیشتر دوست دارد که نفع بیشتری برای بندگان او داشته باشد. پس باید با زبان خوش و چهره‌ای باز با بندگان خدا ملاقات کرده، خطاهای آنان را نادیده گرفت و بر لغزشهای آنان صبر نمود.

ـ همچنین توصیه می‌کنم که اخلاص و خدایی بودن را در همه کارها رعایت کنیم و این ممکن نیست مگر با بررسی نیت خویش در آغاز هر کاری، بویژه در عبادتها بنابراین هر گاه خواستیم اقدام به انجام کاری بکنیم نخست، به درون خود نگاهی بیندازیم و ببینیم انگیزه‌ی این اقدام جلب رضایت خدا است یا خیر؟ اگر برای خدا بود، اقدام نماییم و گرنه دست نگهداریم. این همان منزلت عظیمی است که به اولیاء خدا اختصاص دارد و فرق میان آنها و دیگران است. خیلی از اعمال و کردار با یک نیت تبدیل به ثواب و عبادت می‌شوند همانطوری که خیلی از عبادتها با نیت غیر صحیح، به گناه تبدیل می‌شوند یا اینکه ثواب و پاداش آنها از بین می‌رود.

ـ همچنین انسان باید بداند که از خاک آفریده شده است و نسب خویش را از یاد نبرد و به اصل خلقت و ضعف و بیچارگی و کم علمی و ناتوانی خود بیندیشد و در مقابل عظمت و قدرت پروردگار جهان، فروتن بوده، احساس کوچکی نماید. گناهان خود را بیاد آورده، تأسف بخورد و از کرده پشیمان گردد.

ـ توصیه می‌کنم قلبها را از کینه و حسد پاک نگهداریم تا دارای قلبی سالم و خالی از کینه و عداوت و خیانت و فریب کاری باشیم. بندگان خدا را دوست بداریم و دلسوز آنان بوده عطوفت و مهربانی را از یاد نبریم.

ـ همچنین شایسته است که انسان مؤمن دارای ظاهر و قیافه‌ای زیبا و دلنشین باشد چرا که خداوند پاک است و پاکیزگی را دوست دارد، زیبا است و زیبایی را دوست دارد. پس می‌طلبد که ما به قیافه‌ی ظاهری خود نیز اهمیت بدهیم همانطور که به باطن خود اهمیت می دهیم. لباس خوب و تمیز بپوشیم. اگر لباس سفید بپوشیم بهتر است ولی از پوشیدن لباس فاخرانه که جلب توجه نماید پرهیز کنیم، و همچنین از پوشیدن لباس فقیرانه‌ای که باعث تحقیر باشد یا اینکه بگویند: فلانی مرد زاهد و پارسایی است بلکه بهترین لباس، میانه‌ای که سایرین می‌پوشند.

ـ مسلمان باید در کارهای خیر الگوی دیگران بوده مرتب و منظم باشد. صبح که بیدار می‌شود هر چیز را سر جایش قرار دهد بستره، کتاب و ... در کارها دقت بخرج داده وقت خواب، بیداری، صبحانه و غذا، خواندن و ورزش و همه چیز را مشخص نماید. بهر حال نظم در زندگی، داشتن قیافه‌ی خوش و بوی خوش و میانه روی در انفاق و خرج کردن و پرهیز از اسراف و فضول خرجی و چشم هم چشمی جداً توصیه می‌گردد.

همچنین شما را به رعایت آداب شرعی از قبیل در زدن و اجازه خواستن تا سه بار، برای ورود به خانه کسی توصیه می‌کنم. روبروی درب خانه نه ایستید تا پس از باز شدن درب، ناگهان چشمتان به داخل منزل نیفتد. وقتی داخل خانه می‌شوید سلام کردن را از یاد نبرید. کفشها را در جای مخصوص بیرون آورید. به آرامی وارد شوید و منتظر راهنمایی صاحب خانه برای نشستن باشید.

در اثنای گفتگو، از ذکر معایب مردم و ریختن آبروی مردم و صحبت طولانی پرهیز شود. از سر زدن به مردم در اوقات سه گانه یعنی بعد از نماز عشاء و قبل از نماز صبح، و بعد از نماز ظهر که معمولاً وقت استراحت است خودداری شود مگر با توافق صاحب

خانه. با نشستن بیش از اندازه، صاحب خانه را خسته نکنید. متکلم وحده نباشید. به دیگران نیز فرصت اظهار نظر بدهید. از خود تعریف و تمجید ننمائید و موفقیتهای خود را در عرصه‌های مختلف بر نشمارید و دیگران را تحقیر ننمائید از خندیدن بیش از اندازه و شوخیهای بی مزه و زیاد پرهیز کرده، مجلس را با ایراد آیه و حدیث و یادآوری نعمتهای پروردگار و ذکر و درود سودمند گردانید. و در پایان، دعای کفاره‌ی مجلس: «**سُبْحَانَكَ اللَّهُمَ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ**» «(خداوندا! پاکی تو را بیان می کنم، و تو را ستایش می نمایم، و گواهی می‌دهم که بجز تو، دیگر معبودی «بحق» نیست، از تو طلب مغفرت می‌کنم، و در حضورت توبه می‌نمایم» را از یاد نبرید.

و چه خوب است اگر بتوانیم سیر مجلس از سخنان ناجایز و غیبت را با بصیرت و مهارت بسوی گفتار جایز و نیک تغییر بدهیم. و زبان خود را از پرداختن به غیبت حاکم، عالم، دعوتگران و سایرین اعم از کوچک و بزرگ و زن و مرد پاک نگهداریم. و جز به نیکی یادشان نکنیم.

باید مواظب باشیم که از ناحیه همنشینان، به دین و حیثیت ما لطمه‌ای وارد نشود.

باید امید و طمع را کم کنیم. چه قدمهایی که صاحبانشان قادر به برداشتن قدم دیگری نشده اند. قضیه خیلی سریعتر از این حرفها است. مرگ غافلگیر کننده است. پس باید انسان در امر توبه و استغفار، امروز و فردا نکند و به تجدید و تقویت ایمان خود پرداخت، قرضها را ادا کند و از مردم حلالی بطلبد و اگر غیبت کسی را کرده است سربسته از او معافی بخواهد و در حق او طلب آمرزش نماید شاید بدینصورت بتواند جبران نماید.

ـ همچنین توصیه می‌شود که فرد مسلمان دارای کتابخانه‌ای باشد که در آن از بهترین کتابهای تفسیر، حدیث، فقه، ادب و فرهنگ تهیه نماید تا اینها برای او همنشینان خوبی باشند مفیدتر از هر همنشین دیگر. چرا که تجربه ثابت کرده که کتاب مفیدتر از هر

همنشین، تفریح و وسیله‌ی سرگرم کننده‌ای است. چنانکه گفته اند: «**خیر جلیس في الزمان كتاب**» «بهترین همنشین در این زمان کتاب است».

ـ توصیه می‌کنم که در حفظ و نگهداری اوقات خویش کوشا باشید. تا جایی که حتی برای دقایق و ثانیه های عمر خود ارزش قایل باشید. باید هر لحظه‌ی عمرتان در طاعت و بندگی خدا و کار مفید سپری شود. گاهی یک دقیقه هم باعث می‌شود که شما مدت خیلی زیادی را در جوار رحمتهای خدا و بهشت جاویدان بگذرانید. پس اوقات عمر خود را ارزان نفروشید چرا که از طلا و نقره هم با ارزش‌تر است. بنابراین باید در صرف آن شدیداً بخل بورزید و فقط در ذکر خدا، تلاوت قرآن، مطالعه، نماز، تفکر، نفع رسانی به انسانها و کار مفید و مباح صرف گردد.

چه خوب است که انسان مسلمان روزانه نشستی با خویشتن داشته باشد برای یک ساعت یا بیشتر و کمتر. در آن به تدبیر امور خود بپردازد و اوضاع را کنترل نماید. گناهان خود را بیاد بیاورد و برای آینده تصمیم بگیرد و به خدا رو بیاورد. چرا که در تنهایی بهتر می‌توان به تفکر و اندیشه نشست.

ـ همچنین توصیه می‌شود که انسان مسلمان از مجالس بیهوده و حتی جایز، صرف نظر نماید چرا که اکثر کسانی که پیرامون انسان هستند یا اهل کینه و حسادت، سخن چین، احمق، مغرور و متکبر یا بی‌تربیت‌اند. پس چه خوب است که انسان از اینگونه افراد دوری جسته، عزلت و تنهایی را اختیار کند. البته گوشه نشینی وقتی مفید و مثمر ثمر است که با قرآن و احادیث پیغمبر و علوم دیگر باشد وگرنه بهتر است با خانواده و انسانهای نیک و شایسته نشست. در جامعه انسانهای نیک و پرهیزگار زیادی وجود دارد. باید سراغ اینگونه افراد رفت. چرا که نشستن با آنها باعث تقویت ایمان و قرب الهی می‌گردد.

ـ توصیه می‌کنم بر خانواده و زنان و فرزندانتان اشراف داشته باشید به فکر تقوای آنها باشید و در مورد آنها تقوا را رعایت کنید. حدود و مسایل شرعی را در رابطه با آنها

مدنظر داشته باشید. به تربیت آنان همت گمارید. بخشی از وقت خود را برای غذا خوردن با آنان یا نشستن در کنارشان و یا برای تفریح اختصاص دهید. به هیچ‌وجه در مورد خانه‌ی خود سهل انگاری ننمائید. بعضی ها بقدری گرفتار مسایل جانبی هستند که برای پرداختن به چنین کار مهم و ریشه‌ای، وقت پیدا نمی‌کنند. این کار باعث ایجاد مشکلات بزرگ دینی و دنیوی می‌شود.

بنابراین، می‌طلبد که بخشی از وقت خود را برای پرداختن به تربیت زن و فرزندان اختصاص داد و با آنها خوشرفتار و خندان و بشاش باشید. تا با شما انس بگیرند و در کنارتان راحت باشند و احساس آرامش نمایند. چرا که آنها بیش از هرکس دیگری مستحق توجه شما بوده، حق شان مقدم بر حقوق دیگران است.

ـ و همچنین توصیه می‌کنم که انسان مسلمان در مورد سخنان خویش از خدا بترسد. بددهن نبوده، ناسزاگویی نکند. عفت کلام داشته هیچ فرد و گروه و عالم و مسئول و دعوتگر بزرگ و کوچکی را به بدی یاد نکند. بلکه سخنان صلح آمیز بر زبان بیاورد و با گفتار خویش رضایت پروردگار را بدست آورد. همیشه خصلتهای نیک مردم را بیان نماید و از معایب آنان چشم بپوشد.

ـ و به شدت شما را از تلف کردن وقت و غوطه ور شدن در معصیت و گناه و تماشای فیلمهای مبتذل و مضر و شنیدن موسیقی واشعار زشت و حتی زیاده روی در استفاده از کامجوئیهای مباح بر حذر می‌دارم. چرا که زیاده روی در این امور باعث کوتاهی در برخی حقوق و از بین رفتن واجبات شده، نفس را ناتوان می‌گرداند و خدا را ناراض ساخته، وقت را تلف می‌کند به مال و آبروی انسان آسیب جدی وارد می‌سازد. پس باید از خدا در ظاهر و باطن ترسید چرا که خداوند گناهانی را که انسان دور از انظار مردم انجام می‌دهد روزی آشکار می‌سازد و هر کس هر چه در دل دارد چه خوب و چه بد خداوند آنرا آشکار خواهد ساخت.

ـ همچنین باید انسان مسلمان از مطالعه کتابهای کفر آمیز که باعث ایجاد شک و تردید در ایمان و عقیده می‌شود و از خواندن داستانهای عاشقانه و دروغین که بسوی فحشا و منکر و دوری از عبادت خدا و تقوا فرا می‌خوانند خودداری نماید.

چرا که خواندن اینگونه کتابها قلب را به اندازه‌ای فاسد می‌گرداند که بعد از آن راهی برای علاج آن باقی نمی‌ماند مگر اینکه خدا بخواهد و بنده واقعاً بسوی پروردگار خویش برگردد. آری! محبت نواهای موسیقی و عاشقانه و فحشا و منکرات، با ایمان و قرآن و دوستی خدا و پیغمبر یکجا در یک قلب جمع نخواهند شد.

ـ توصیه می‌شود که روزانه بخشی از سیرت و سرگذشت زندگی رسول خدا را مطالعه بکنید. چرا که ایشان الگوی واقعی هر مسلمان است. بنابراین، می‌طلبد که انسان مسلمان، وقایع زندگی رسول اکرم، جنگها، روش عبادت‌ها، (نماز، روزه، حج، ذکر و غیره) معاملات، خواب و بیداری و سایر مسایلی که باید به ایشان اقتدا نمود را دقیقاً بررسی نماید. همچنین باید سرگذشت اصحاب رسول اکرم و چگونگی برخورد آنها با پیامبر خدا را مطالعه نمود تا زوایای مختلف زندگی این شخصیت بزرگ با همه‌ی تفاصیل پیش روی شما باشد و هیچ زاویه‌ای بر شما مخفی نماند. چرا که خواندن سیرت رسول خدا از منابع معتبر و صحیح باعث افزایش ایمان و فهمیدن رسالت آنحضرت که بحق مهم ترین رویداد جهان بشمار می رود، خواهد بود.

بنابراین نباید به خواندن نکات برجسته‌ی سیرت رسول اکرم اکتفا کرد. بلکه شایسته است که با دقت کامل، تمامی رویدادهای زندگی آنحضرت پیگیری شود تا انسان مسلمان کاملاً در جریان روند نزول وحی، کیفیت بعثت آنحضرت، مصائبی که ایشان در راه دعوت متحمل گردید، اخلاق، جنگ و صلح، سخاوت، شجاعت و سایر موضعگیریهای ایشان قرار گیرد. بخدا سوگند! که سیرت رسول اکرم حاوی درسهای بزرگ و فواید بیشماری برای کسانی است که دارای قلبی آگاه و گوشی شنوا هستند.

علاوه بر سیرت رسول اکرم، باید سیرت اصحاب ایشان نیز مورد مطالعه قرار گیرد تا از صفات برگزیده و موضعگیریهای شجاعانه و فداکاریهای آنان در یاری دادن دین خدا و تقوا، پارسایی، عبادت و بذل جان و مال در راه الله و رشادتها، تقدیم خون و بذل روح و صبر بر سختی ها، تحمل گرسنگی و ضرب و شتم دشمن و خانه به دوشی و هجرت آنان باخبر شده، محبت آنها را در دل جای دهیم باشد که خداوند ما را در زمره‌ی آنان محشور بدارد.

ـ و از تمسخر به مسایل دینی و کتابها و پیامبران و فرشتگان و سنتهای پیامبر و امور اخروی مانند بهشت و دوزخ جداً باید پرهیز نمود. وقتی دراین باب سخنی گفته می‌شود، باید اذعان نمود و با دید احترام آنرا شنید و تسلیم گردید. و نباید صدا را بالا برد و اعتراض کرد و شک و تردید بخود راه داد و به باد تمسخر گرفت. بلکه با نهایت ادب و احترام امیدوار رحمتها و نعمتهای الهی بوده جز سخن نیک بر زبان نیاورد و بداند که اینها جزو مواردی است که شایسته‌ی تقدیر و تقدیس و احترام است.

ـ همچنین باید انسان مسلمان میانه رو باشد. چرا که دین اسلام دینی است میانه، و اهل سنت گروهی است میانه رو بین روافض و نواصب[1] و مرجئه و خوارج و جهمیه و قدریه، نگرش اهل سنت در مورد اسماء و صفات الهی، و در عقاید و وعده وعید و دوستی و دشمنی و سایر مسایل اخلاقی و اجتماعی نگرش و رفتاری معتدل و بدور از افراط و تفریط می‌باشد. بعنوان مثال انسان باید دارای طبعی سخاوتمندانه باشد اما درعین حال از اسراف و تبذیر پرهیز نماید همانگونه که باید از بخل پرهیز کرد. و باید شجاع باشد اما از بی پروایی و همچنین بزدلی پرهیز نماید. حتی در خندیدن میانه رو باشد بجای سردادن قهقهه که باعث غفلت و نابودی قلب می‌شود، لبخند و تبسم بر لبانش نقش بندد.

1- روافض کسانی‌اند که کینه‌ی اصحاب پیغمبر را به دل دارند و نواصب کسانی هستند که نسبت به اهل بیت پیغمبر جفا می‌کنند.

و به کارهای بیهوده و عبس و شوخیهای بی‌مزه مشغول نشود تا از چشم برادران خود نیفتد بلکه باید در همه‌ی امور زندگی راه میانه را برگزیند که این اصل بزرگی است.

ـ و باید در عمل به سنتهای ارزنده‌ی رسول الله اهمیت ویژه‌ای داد. مانند مسواک زدن، گذاشتن ریش، کوتاه نمودن سبیلها، گرفتن ناخنها و تراشیدن موهای زاید و استفاده از مواد خوشبو و با طهارت خوابیدن و پوشیدن لباسهای تمیز و مداومت بر اذکار صبح و شام و اذکار مناسبتهای مختلف مانند، دعاهای ورود و خروج به مسجد و منزل و غیره. و نباید از خواسته های مردم و خدمت به آنان خسته شد البته اینکار نباید خارج از محدوده توان او بوده تا جایی که باعث تأخیر افتادن کارها و عبادتهای مهمتر باشد. همچنین نباید با مردم با چهره اخمو و رفتاری ناپسند و سخنان تند و زننده برخورد نماید.

به خوراک خود اهمیت دهد و در این باره میانه روی کند و حلال و پاکیزه بخورد و از پرخوری پرهیز نماید همانطور که از کم خوری بیش از حد نیز باید اجتناب ورزد بگونه‌ای که با پرهیز از خوردن روزی پاکیزه و حلال و نیز روزه گرفتن بیش از حد، باعث تضعیف جسم خود گردد و نهایتاً در انجام عبادتها ناتوان شود. یا اینکه از پوشیدن لباسهای مباح خودداری نماید.

و باید به سنت پیامبر که در واقع به کشتی نوح می‌ماند چنگ زند چرا که هرکس سوار بر این کشتی شود نجات می‌یابد وگرنه طوفانها او را در می‌نوردند.

ـ و هر گاه نام گرامی رسول اکرم ص برده شود باید بر او درود فرستاد و احادیث و سخنانش را گرامی داشت و مؤدبانه آنها را پذیرفت.

همچنین باید برای یاران ایشان احترام زیادی قائل بود و از آنان دفاع نمود و از بدگویی آنان پرهیز کرد و همانگونه که خداوند آنها را انسانهای پاکیزه‌ای قرار داده‌است به پاکیزگی و بزرگواری آنان اعتراف کرد. قطعاً یاران پیامبر بمراتب از ما بهتر بوده و روش و منهج شان درست تر بوده و دارای مقام و منزلت بزرگتری نزد خدا بوده‌اند. بنابراین باید به جهاد و فداکاری آنان در راه دین، ارج نهاده شود.

و باید نام امامان و گذشتگان نیک امت به خوبی گرفته شود و برای آنان دعای رحمت بخواهیم و اگر با دیدگاه فقهی یا سیاسی یکی ازآنان مخالف بودیم با ادب و احترام نام او را بر زبان بیاوریم و در مسائل دینی به قرآن و سنت چنگ بزنیم و از تقلید و پیروی تعصب گونه از مذاهب، پرهیز نمائیم و اگر واقعاً طالب علم هستیم باید به قرآن و سنت مراجعه نمائیم و در هر مسأله پیرو حق باشیم چه آن حق در مذهب حنفی باشد یا شافعی یا مالکی یا حنفی. بدون تعصب حق را بپذیریم. چرا که خداوند می فرماید: ﴿ٱلۡحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ﴾ [یونس: 35]. «حق شایسته‌تر است که از آن پیروی شود».

و باید نسبت به جماعت‌های اسلامی گمان نیک داشت و در جهت بهبودی و تصحیح منهج آنان گام برداشت و دلسوزشان بود. و نباید به بدگویی و عیب‌جویی آنان پرداخت و از بروز ضعف و خطای آنان خشنود شد چرا که آنها برای پیشرفت اسلام فعالیت می‌کنند پس نباید آنها را بر اشتباه و خطایشان گذاشت بلکه باید در صدد اصلاح آنان بر آمد و حق را به اسلوب نیک و شایسته برایشان روشن ساخت.

ـ همچنین انسان مسلمان باید به فکر همه‌ی مسلمانان بوده، در جریان احوال مسلمانان سراسر عالم باشد.

از غم و مصیبتی که به مسلمانان می‌رسد نگران و ناراحت شود و برای خود زندگی نکند بلکه برای همه‌ی مسلمانان زندگی کند و به اندازه‌ی توان خود، از کمک مالی و جانی به مسلمانان و دعا و سفارش در حق آنان دریغ نورزد. مسلمان باید دارای همت بلندی باشد نه اینکه فکر و اندیشه و فعالیتهایش از زندگی شخصی و خانوادگی و شغل‌اش فراتر نرود. این نوع افراد از همت عالی و بلندی برخوردار نیستند و به چیزهایی که خدا دوست دارد دست نمی‌زند.

کسیکه پیگیر مسایل و مشکلات جهان اسلام باشد، بگونه‌ای که اگر بشنود که مسلمانی دچار مصیبتی شده است خواب از چشمانش برود و احساس نماید که این

مصیبت برای خودش یا فرزندش اتفاق افتاده است، چنین شخصی واقعاً دلسوز خدا، پیامبر، قرآن و مسلمانان است.

ـ توصیه می‌کنم که انسان مسلمان، توبه و استغفار را شبانه روز ورد زبان خویش سازد، و این کار از نفس کشیدن برایش بیش‌تر اهمیت داشته باشد. چرا که استغفار باعث ازدیاد روزی و نسل نیک، شرح صدر، فراموش کردن غمها، نجات یافتن از تنگناها و مصایب، بخشوده شدن گناهان، بالا رفتن درجات نزد خدا می‌گردد. در حدیث آمده است که رسول خدا فرمود: «**مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الاِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجاً وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجاً وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لاَ يَحْتَسِبُ**». همچنین جمله‌ی «**لا حولَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**» را بویژه هنگام مصیبت یا حمل بار سنگین یا رفتن به سوی بلندیها و یا وقت فشار اعصاب، بخوانید. زیرا این ورد، گنجی از گنجهای بهشت است.

و نیز این دو جمله را که گفتن آنها خیلی آسان ووزن شان بر ترازوی اعمال سنگین و نزد خدا محبوب هستند یعنی: «**سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ**» را به کثرت تکرار نمائید.

ولی زیباترین ورد عبارت است از:

«**لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**»

«هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریک ندارد، و پادشاهی و ستایش از آنِ اوست، و او بر هر چیز تواناست» توصیه می‌کنم که روزانه یکصد بار این را بخوانید و بر آن تا لحظه‌ی مرگ مواظبت نمائید، باشد که بوسیله‌ی آن در دنیا و آخرت سربلند و رستگار گردید.

ـ و از خوردن مال حرام شدیداً شما را برحذر می‌دارم چرا که مال حرام، مال پلیدی است که باعث از بین رفتن طاعت و بندگی می‌شود و از نظر جسمی نیز باعث بروز وبا و انواع بیماریها می‌گردد و در تربیت فرزندان تأثیر منفی خواهد گذاشت زیرا جسمی که پوست و گوشت آن با حرام رشد و نمو کرده است دارای قلبی خالی و غافل خواهد بود.

بنابراین می‌طلبد که انسان مسلمان مواظب درآمد و کسب و کار خویش باشد و از معاملات ربوی و مشکوک، غیر شرعی و دادن رشوه و گرفتن آن و فریبکاری جداً پرهیز نماید روزی کم و حلال بهتر از مال زیاد و حرام است.

ـ همچنین باید انسان مسلمان از گناه بزرگی که این روزها خیلی رواج دارد یعنی غیبت و بدگویی مردم پرهیز نماید. چرا که غیبت کردن ریشه‌ی نیکیهای شما را می‌خشکاند و بار گناهان شما را سنگین تر نموده، باعث ایجاد بغض، نفرت و دشمنی می‌گردد.

ـ می‌زیبد که مسلمان بین ترس از عذابهای خدا و امید به رحمتهایش بسر برد. نباید ترس چنان دامنگیر او شود که بندگان خدا را از رحمتهای الهی و مغفرت وی ناامید سازد. و آنان را در دین دچار مشقت سازد. بعضی از مردم وقتی فکر کنند به درجه‌ای از گناه و معصیت رسیده اند که دیگر قابل بخشش نیستند و به هیچ وجه مستحق رحمتهای الهی و بهشت او نمی باشند، در ارتکاب گناه و معصیت، جسورتر و بی پروا می‌شوند و بصورت وحشتناک در این باب پیشروی می‌کنند.

همچنین نباید مردم را سوار کشتی امید کرد تا از مؤاخذه‌ی الهی کاملاً در امان بسر برند و بی‌باکانه در انواع گناه و معصیت و حرمت شکنی غوطه ور گردند. چرا که بعضی از مردم چنان اند که اگر به آنها چراغ سبز نشان داده شود گمان می‌برند که هیچگاه مورد محاسبه و بازخواست قرار نمی‌گیرند و خود را مشمول آیات و احادیثی که بیانگر رحمت و مغفرت الهی است دانسته، در ارتکاب گناه و معصیت هیچ ترس و واهمه‌ای به خود راه نمی‌دهند.

بنابراین، توصیه می‌شود که انسان مسلمان، بین ترس و امید بسر برد و هنگام ارشاد برادران خود نیز این امر را مدنظر داشته باشد مگر در روزهای پایانی عمر و نزدیک شدن مرگ که در آنجا جانب امید به رحمتهای الهی و حسن ظن نسبت به خدا باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

همچنین شایست است که انسان مسلمان سخنی بر زبان بیاورد که عام فهم و قابل درک باشد و از تکلف و به اصطلاح سخنان سلمبه قلمبه بپرهیزد و با ایراد سخنان عجیب و غریب، فرهنگ نمایی نکند. چرا که برخی از مردم به بیماری خود بزرگ بینی مبتلا می‌شوند و سخنان و اصطلاحات پیچیده و بیگانه و روان گردان بر زبان می‌آورند تا در میان مردم بعنوان با سواد، با فرهنگ و اهل علم و دانش جای پایی پیدا کنند، باید گفت که هم هدف، اینگونه افراد و هم روششان ناپسند و نازیبا است. پس با مردم، باید بگونه‌ای سخن گفت که برایشان قابل فهم و قابل هضم بوده، به نفع دین یا دنیای‌شان باشد. و از بحث و جدل پیرامون مسایل بیهوده یا مضر پرهیز نماید. همچنین از گفتن سخنان رکیک و مبتذل و فحش و ناسزا جداً اجتناب ورزد. چرا که اینها تأثیر نامطلوبی در ادب، شخصیت، رشد، حافظه و آینده‌ی او بر جای خواهند گذاشت.

ـ و نیز می‌طلبد که انسان دارای خلق و خوی زیبای اسلامی باشد؛ مهمان اش را گرامی بدارد، با چهره‌ای باز به پیشوازش برود و در خدمت رسانی به او تا می‌تواند از هیچ تلاشی دریغ نورزد. همچنین در رعایت حقوق همسایه و جستجوی احوالش کوتاهی ننموده از اذیت و آزار وی و فاش نمودن عیوب اش خودداری کند.

و در گرامی داشت علماء و دانشمندان و استفاده و دفاع از آنان غفلت نورزد.

رعایت احترام و حقوق حاکم مسلمان و عادل و دفاع از وی نیز جزو خصلتهای زیبا و پسندیده است.

ترحم بر مساکین، فقراء، بینوایان و ایتام و بیوه زنان، سعی و تلاش در جهت مصالح مسلمانان مانند سفارش به نیکی در حق کسی وساطت برای خاموش کردن آتش فتنه بین دو نفر و تحمل بیداری، خستگی و مشقت در این گونه موارد، نوعی جهاد و فداکاری در راه خدا و رسیدن به رضای الهی و جزو اعمال نیک و شایسته بحساب می‌آیند.

ـ و نباید انسان مسلمان از دادن صدقه غفلت ورزد چرا که صدقه، هرچند اگر یک دانه خرما یا یک جرعه آب باشد، باعث خاموش ساختن خشم و غضب الهی می‌شود.

پس نباید هیچ کار نیکی را کوچک شمرد؛ سخن نیک، صدقه است. با لبخند و تبسم نگریستن به برادر مسلمان و دفاع از وی، صدقه محسوب می‌شود. باید دانست که افزایش صدقه، باعث افزایش روزی و فراخی نعمت می‌گردد. اما نباید فراموش کرد که هدف از صدقه، باید رضامندی الله باشد نه ریا و تظاهر و فخر فروشی.

بنابراین، می‌طلبد که بر مستمندان، بوسیله‌ی دادن مال، خوراک، آرد، لباس و دیگر اشیای مورد نیاز انفاق کرد و از بخل و خساست خودداری نمود، چرا که خداوند بر کسانی که مانع رسیدن خیر به دیگران می‌شوند درهای، خیر و برکت و روزی و صحت و سلامتی را خواهد بست و بعنوان پاداش به مثل در زندگی خود رنگ خوشبختی را نخواهند دید.

و به فکر خویشاوندان و بستگان درجه یک بخصوص زنان، منظورم خواهران، دختران، عمه‌ها و خاله‌ها باشید. چرا که آنها ضعیف و ناتوان هستند. به زیارتشان بروید، احوال شان را جستجو نمائید، در صورت نیاز، دست مساعدت بسوی آنان دراز کنید. دمی بنشینید و با آنها گفتگو نمائید و دلشان را بدست آورید تا بدینوسیله رضایت خدا را بدست آورید و مشمول بزرگواری و رحمت وی در دنیا و آخرت باشید.

ـ و از سخنان بیهوده و کارهای بیهوده خودداری نمائید مانند نشستن بر سر کوچه‌ها و راه‌ها و دور زدن در بازارها و ایستادن و هم نشینی با انسانهای بیکار و شرکت در جلسات بیهوده و تماشای برنامه هایی که هیچگونه فایده دینی و دنیوی در بر ندارند.

و از شب نشینی با انسانهای بی هدف و بی برنامه جداً اجتناب کنید و زود خوابیدن را ترجیح دهید. و بیدار شدن در بخش پایانی شب و خواندن حداقل دو رکعت نفل را غنیمت بزرگ بشمارید که همان دو رکعت در آن هنگام، از دنیا و آنچه در دنیا وجود دارد ارزشمندتر است. و کسیکه مطمئن نیست از اینکه بیدار خواهد شد، بهتر است نماز وتر را قبل از خواب بخواند و سعی باید کرد که با وضو و گفتن ذکر و تسبیح و تجدید توبه و استغفار و بر نیت نیک بخوابد و قبل از خواب همه‌ی مسلمانان را مورد عفو قرار

دهد. در دعا و زاری کردن پروردگار خویش از هیچ کوششی دریغ نورزد چرا که خیری جز آنچه خدا فراهم نماید و شری جز آنچه خدا دفع نماید وجود ندارد.

پس هرکس عزت و سربلندی و رزق و دانش و مغفرت و نجات از دوزخ می‌خواهد، همه‌ی اینها در دست الله و به اراده‌ی او محقق خواهد شد. پس شایسته است که در جهت بدست آوردن رضامندی چنین خدایی تلاش ورزیم و او را به فریاد طلبیم و به وی امیدوار باشیم و هر لحظه او را بخوانیم.

ـ همچنین توصیه می‌کنم که نباید ثروت اندوزی بر فکر و اندیشه و شب و روز یک مسلمان چیره شود. بگونه‌ای که بنده و برده‌ی و سرسپرده‌ی دنیا باشد. نباید بر چیزی از دنیا که از دست رفت متأسف و غمگین و پریشان شد. همانطور که شایسته نیست در صورت افزایش مال و ثروت، مغرور و شادمان گشت.

نباید بزرگترین قضیه‌ی زندگی فرد مسلمان و گمشده‌ی واقعی‌اش، در یک باب منزل، اتومبیل، باغ و پس انداز خلاصه شود. به راستی که ارزش دنیا نزد خدا از بال پشه‌ای هم کمتر است. مگر نه اینکه همین دنیا برای بسیاری از بندگان خدا مانع از رسیدن به نیکیها شد؟! مگر نه اینکه باعث از بین رفتن بسیاری از خویشاوندیها گردید؟!.

مگر نه اینکه باعث ریختن خونهای زیادی شد؟! پس وای بحال دوستداران و پرستش کنندگان آن!.

«**دار متى ما أضحكت في يومها أبكت غداً قبحالها من دار!**».

ترجمه: «خانه‌ای است که اگر یک روز بخنداند روز دیگر می‌گریاند چه بد خانه‌ای است!».

مسلمان باید به قرنهای گذشته و نسلهای پیشین و ملتهایی که قبل از ما گذشته اند و مردن و کوچ کردن آنها از این دنیا بیندیشد. چه شدند؟ و پایان کارشان به کجا ختم شد؟ چگونه خانه ها و کاخ های خود را رها کرده به گورستان رفتند؟! چقدر از رفاه و آرامش بهرمند بودند! و از سیادت و سروری و قدرت و پادشاهی و عوان و انصار! همه را

گذاشتند و رفتند، حتی لباسهایشان را از تن شان بیرون کردند و آنها را در دل خاک جای دادند! آیا وجود آنان را احساس می‌کنی یا صدای پاهایشان را می‌شنوی؟!.

پس باید عزت و جاه و مقام را نزد خدا جستجو کرد و باید دانست که انسان هر چند صاحب مال و فرزند و اعوان و انصار و قدرت و سلطنت باشد، سرانجام راهی جز ترک گفتن آنها و دست برداشتن از همه و پیچیده شدن در کفن و به خاک رفتن و حاضر شدن در پیشگاه رب العالمین ندارد: ﴿وَلَقَدۡ جِئۡتُمُونَا فُرَٰدَىٰ كَمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَتَرَكۡتُم مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ وَرَآءَ ظُهُورِكُمۡ﴾ [الأنعام: 94].

«شما تنها نزد ما خواهید آمد همانطوری که بار نخست شما را آفریده بودیم و آنچه به شما داده بودیم پشت‌سر خواهید گذاشت».

شایسته است که در اینجا اندکی مکث کرد و اندیشید.

و هرکس تاریخ را مرور نماید، با شگفتیهای زیادی حتی در مورد پادشاهان و خلفا روبرو می‌شود. شما وقت در مورد حکومت امویان و عباسیان مطالعه کنید خواهید دید که چگونه سلطنت از دست شان بیرون آورده می‌شد، به بدترین وجه کشته یا به زندان انداخته می‌شدند، چشمان برخی در آورده می‌شد، اعضای جسم‌شان قطعه قطعه می‌گردید، ترور می‌شدند از کار برکنار می‌شدند و... بهمین منوال نسلی جایگزین نسل دیگری می‌شد. پس ماندگاری و آسایش و امنیت پایدار جز در بهشت و نعمتهای جاودانه‌ی الهی وجود ندارد. چنانکه احمد بن حنبل به فرزندش؛ عبدالله وقتی از ایشان پرسید: پدرم! کی انسان مؤمن راحت می‌شود؟ فرمود: استراحتی در کار نیست تا روزی که گام در بهشت می‌گذارد. این است آنچه خردمندان و اهل معرفت بدان رسیده‌اند.

آری! خانه‌ای که جز ویرانی، بدبختی، بیماری جنگ، خونریزی گرسنگی، تشنگی، خستگی، غم و اندوه محصول دیگری ندارد. شایسته‌ی اینهمه توجه و برنامه ریزی نیست بلکه می‌طلبد که انسان بدان بی‌رغبت بوده، به اندک قناعت ورزد همانطور که رسول خدا فرموده است: «**كُنْ فِى الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ، أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ**» «در دنیا بگونه‌ای زی که

غریب یا رهگذر هستی». و ابن عمر ب می‌گفت: چون صبح نمودی منتظر شام مباش و چون شام نمودی منتظر صبح مباش.

همچنین در حدیثی آمده است که: «**كف عَنْكَ لِسَانَكَ وَلِيَسَعْكَ بَيْتُكَ، وَابْكِ عَلَى خَطِيئَتِكَ**» «زبانات را کنترل کن و در خانه‌ات بنشین و بر گناهانت گریه کن».

و نیز فرموده است: «**ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّك اللَّهُ وَازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّك النَّاسُ**» «نسبت به دنیا بی‌رغبت باش تا خدا دوستت بدارد و از آنچه در دست مردم است صرف نظر کن تا مردم دوستت بدارند».

ـ و از آنجا که انسانها دارای استعدادهای محدود و متنوع اند، شایسته است که انسان مسلمان بعد از انجام فرایض، از راهی که برایش بهتر ممکن و میسر است در بدست آوردن رضایت پروردگار تلاش نماید، بعنوان مثال کسیکه علاقه به فتوا و پاسخ دادن مسایل شرعی دارد، باید در این باب تلاش نماید تا به تخصص لازم دست یابد و اگر کسی به موعظه و ارشاد مردم علاقه دارد در اینمورد به مطالعه، تمرین و یادگیری روشهای خوب و مؤثر بپردازد تا در آن سرآمد روزگار باشد و اگر به قرآن علاقمند است باید به تلاوت قرآن همراه با تدبر و اندیشیدن در معانی آن بپردازد.

و اگر خداوند به کسی مال ارزانی داشته است باید در انفاق و سخاوت بر دیگران پیشی گرفته، اخلاص و للهیت را فراموش ننماید.

و اگر کسی قادر به ایجاد صلح و آشتی میان مسلمانان است، باید از این راه، به رضایت پروردگار خویش دست یابد و هر روز بخشی از وقت خود را صرف این کار نماید و نباید احساس خستگی و کدورت کند که این جزو راه‌هایی است که انسان را به بهشت و نعمتهای الهی می‌رساند. و اگر توانایی جهاد در راه خدا را دارد باید به فکر جهاد باشد و برای آن آمادگی کند چرا که جهاد جزو اعمال بزرگ محسوب می‌شود.

اصحاب رسول خدا چنین بودند هر یک از آنها در حیطه‌ی تخصص خویش عمر خود را وقف نموده بود. مثلاً جهادگر صحابه را می‌بینی که با شجاعت وصف ناپذیر

خون خود را تقدیم راه خدا می‌نماید و از هیچ جنگ و غزوه‌ای باز نمی‌ماند، از آنچه در راه خدا به وی می رسد خرسند و شادمان است، در دادن مال و جان در راه خدا سخاوتمندانه عمل می‌کند.

همچنین قاری قرآن را می‌بینی که عمر خود را در تلاوت، عمل و آموزش کتاب خدا سپری می‌کند و محدث صحابه را می‌بینی که با شیفتگی خاصی، سخنان رسول خدا را بخاطر می‌سپارد و بر یکایک سنتهای ایشان عمل می‌نماید. و کسی که مشغول فتوا و پاسخگویی به مسایل شرعی است می‌بینی که همواره دنبال دلیل و برهان بوده، خردمندانه در حل مسایل و قضایای شرعی گام برداشته است.

و آنکه واعظ و خطیب بوده با در پیش گرفتن روش بیم دادن و تشویق نمودن تمام سعی خویش را در راه دعوت الی الله و فراخواندن مردم به‌سوی طاعت و بندگی الله و منع کردن از معصیت و نافرمانی نموده است.

و کسیکه از نعمت مال و ثروت بهره مند بود، با خشنودی خاطر، از مال خود در راه خدا خرج می‌کرد و خیلی هم از اینکه خداوند به او چنین توفیقی داده بود خوشحال بود. خداوند از آنان خشنود باد و پایان کار ما را نیز به خیر کرده، با آنان در بهشت و نعمتهای خویش جای دهد.

ـ همچنین انسان مسلمان باید مشکلات و مصیبتهایی را که روزی بدانها مبتلا شده است فراموش نماید. گذشته‌ها را زیر آوار دفن کند و به آینده‌ی خوش بین باشد قطعاً گذشته بر نمی‌گردد. نباید اسیر گذشته بود بلکه با آب توبه گذشته را باید شست و با جدیت به زندگی خود ادامه داد. فقط برای روزی که در آن بسر می‌برد زندگی بکند و از آن حداکثر بهره را ببرد. رو به سوی خدا کند و امیدوار باشد. چنانکه در مورد رسول خدا ص آمده است که دارای همت عالی و سینه‌ای فراخ و روح بزرگی بود. یقین می‌دانست که نصرت خدا شامل حال بندگان مؤمن‌اش است و عزت و سربلندی از آن

خدا، پیامبر و مؤمنان است و پیروزی از آن اسلام و بقا و پایداری مختص حق است و خداوند دارای عفو و رحمت بوده، بسیار سخاوتمند و بخشنده است.

نباید انسان مسلمان خود را با اندیشیدن پیرامون آینده و برنامه ریزی برای آن نگران و پریشان سازد. زیرا عده‌ای از مردم امروز خود را در اندیشیدن فردا و فرداهای دیگر سپری می‌کند و در حالی که نمی‌داند فردا زنده است یا خواهد مرد. این نشانگر داشتن آرزوی طولانی و لطمه زدن به زندگی امروز محسوب می‌شود.

پس فقط برای امروز زندگی باید کرد، مواظب فرائض امروز بود، به سنتها عمل باید کرد حق خدا و حق بندگان خدا بویژه خانواده و پدر و مادر و خویشاوندان را باید رعایت نمود. دانش مفیدی باید اندوخت. کتاب مفیدی باید مطالعه کرد، اگر واقعاً ما بتوانیم امروز خود را اصلاح کنیم قطعاً دیروز ما مورد بخشش قرار خواهد گرفت و فردای ما نیز خوب از آب در خواهد آمد.

همچنین نباید انسان مسلمان برای سخنان حسودان و یاوه گویان اهمیت قایل باشد چرا که سخن زشت و ناروا جز برای گوینده‌ی خویش، ضرری برای دیگری ندارد. اما سخن گفتن در مورد شخصی و انتقاد گرفتن از وی بیانگر ارزش و جایگاه والای آن شخص است و اگر از او نامی گرفته می‌شود دلیل بر آن است که او کسی است.

ـ انسان مسلمان باید در آنچه خداوند به وی ارزانی داشته است قناعت را پیشه سازد. به قیافه‌ای که خداوند به وی داده، مسکن، همسر، سواری، مال و ... خشنود باشد چرا که خوشبختی در قناعت و خوشنودی است.

اما کسیکه شیفته‌ی جمع آوری مال و دنیا باشد هیچگاه به روزی ای که خداوند نصیب او کرده است راضی نخواهد شد.

البته انسان نباید تارک دنیا و عاطل و باطل باشد. این کار نیز با قناعت تضاد دارد چنین انسانی نیز گرسنه و تهی دست و سرخورده خواهد ماند.

انسان مسلمان باید راضی به قضای الهی باشد و خود را تسلیم امر خدا نماید در نعمت شکرگزار و در مصیبت‌ها صبور باشد. مصیبتهای دردآور را کفاره‌ی گناهان و باعث ارتقای درجات و حصول رضامندی الله دانسته، صبر را پیشه سازد. مثلاً بیماری را شستشو دهنده‌ی جسم و زداینده‌ی گناهان بداند و آنرا راهی برای قدرشناسی نعمتهای الهی و آمادگی برای ملاقات باریتعالی بحساب آورد.

بر فقر باید صبور بود و آنچه را خدا برای انسان اختیار نموده پسندید و شکر خدا را بجا آورد. چرا که خداوند حکیم، مصلحت بنده‌اش را بهتر می‌داند چه بسا خداوند مال و ثروت را بخاطر جلوگیری از کبر و غرور و بیخبری وی از خدا دریغ داشته است. اولیای حقیقی خدا، هیچگاه لب به شکوه نمی‌گشایند اگرچه بر حصیری بخوابند و قطعه نان خشکی بیابند و یک قطعه پارچه‌ای بیش نداشته باشند. آنها در همه حال سپاسگزار خدایند و جز به تعریف و تمجید وی لب نمی‌گشایند لحظه‌ای در عبادت درنگ نمی‌کنند و چنین باور دارند که خداوند در حق آنان آنچه را که به نفع شان است برگزیده و نزد خداوند گرامی خواهند بود. اینگونه افراد به نعمتها، رضامندی و بخشش پروردگار که در انتظار آنان است باید خرسند باشند چرا که دنیا اساساً ارزشی ندارد که کسی به آن اهمیت دهد یا برای آن نگران شود.

نباید انسان مسلمان وقتی می‌بیند برادر مسلمانش از ثروت دنیا یا جایگاه و مقام دنیوی برخوردار است غبطه بخورد و آرزو کند که ای کاش من بجای او بودم. بلکه شایسته است با دیدن پرهیزگاری، علم و دانش، انفاق مال در راه خدا و شب زنده داری و تلاوت و حفظ قرآن کسی، آرزو کند که ای کاش من بجای او بودم.

با دیدن عالم با عمل و دعوتگر بسوی الله و با دیدن اخلاق فاضله در شخصی غبطه بخورد و به اصطلاح دچار حسودی گردد. با دیدن کسانی که دنیا را بر آخرت ترجیح داده اند نباید دچار حسودی و غبطه شود. چه بسا این مال و مقام نهایتاً باعث نابودی فرد گردد مگر نه اینکه منصب و مقام باعث نابودی فرعون و ابوجهل شد و مال باعث نابودی

(قارون و) امیه بن خلف گردید؟ پس وقتی اینها باعث نابودی صاحبان خود می‌شوند چرا برای داشتن چنین مال و مقامی غبطه خورد و آرزو کرد. مگر کسی که از خدا بترسد و شکر نعمتهایش را بجای آورد و حقوق الهی را رعایت نماید که چنین شخصی در هر حال چه ثروتمند شاکر باشد یا فقیر صابر، مشمول پاداش الهی خواهد بود.

همچنین باید انسان مسلمان نعمتهای الهی را همواره بخاطر داشته باشد و مانند صحت و عافیت و امنیت و قیافه خوب و قلب و گوش و چشم و مسلمان بودن، اینها نعمتهای هنگفتی است که خداوند به وی بخشیده است. همچنین خداوند به انسان، آب و غذا، مسکن و کار و اتومبیل داده است و او را مورد حمایت قرار داده، فرصت توبه داده است. نیکیهایش را می پذیرد و بدیهایش را با توبه کردن می بخشد. برای او کتابی فرستاده و راه هدایت را به او نشان داده و از گمراهی برحذرش داشته است و او را محبوب دلهای مؤمنین قرار داده و با نیکیها و مصائب، گناهانش را می‌زداید. برای انسان عبادت را آسان نموده و در قلبش محبت مسجد را جای داده و ایمان را مزین ساخته و از کفر و بی‌دینی نجاتش بخشیده است. همچنین انسان مسلمان باید سپاسگزار این نعمت الهی باشد که خداوند او را در شهر مسلمان و خانواده‌ی مسلمان به دنیا آورد و او را جزو بی‌دینان، یهودیان، مسیحیان و آتش پرستان قرار نداد.

علاوه بر اینها انسان باید به کسانی که با انواع مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند بنگرد: چه بسا انسانهایی که در زندان سالها است دیدن آفتاب و فضای آزاد را آرزو می‌کنند و چه بسا بیمارانی که سالهاست بر بستر بیماری افتاده، نمی‌توانند از جا تکان بخورند. و چه بسا کسانی که به بیماریهای لاعلاجی همچون سرطان، سل، و دیگر بیماریها مبتلا هستند و چه بسا افرادی که فرزندان خود یا خانه‌ی خود را از دست داده و یا بر شکست شده اند و دچار مصیبتها و مشکلات کمرشکنی شده اند. چه خونهایی که ریخته می‌شود، چه آبرو و حیثیتهایی که بر باد می‌رود و چه مالهایی که به طریقی

تصاحب می‌شود ولی تو در کمال سلامتی و امنیت بسر می‌بری قرآن چه زیبا فرموده است: ﴿يَعۡرِفُونَ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكۡثَرُهُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٣﴾ [النحل: 83].

«آنها نعمتهای خدا را می‌شناسند، سپس انکار می‌کنند و بیشترشان (به نعمتهای الهی) کافراند».

همچنین انسان مسلمان باید به عظمت و شکوه قرآن (این کلام مقدس پروردگار جهانیان) بیندیشد و از شگفتیها، اعجاز، بیان شیوا، داستانها و پندهای آن درس بگیرد و لذت برد، و روزانه باید بخشی از قرآن را تلاوت نماید و درسها، سخنرانیها، فرهنگ، ایمان و احکام خود را از این سرچشمه‌ی زلال استخراج کند. همچنین باید آراسته به اخلاق قرآنی باشد و قرآن را ورد زبان خویش ساخته، از آن استدلال نماید و مثلهایش را بیان و داستانهایش را نقل کند و هنگام تلاوتش گریه نماید و به وعده های قرآن دل خوش کرده، از وعیدهایش بهراسد و با تدبر تلاوت کند همچنین باید از شنیدن آیاتش لذت برد و احساس آرامش کند و به حرف حرف قرآن و آیه آیه آن بیندیشد. بخدا قرآن کلام عجیب و گنج بزرگی است. بخدا زندگی، روح، سعادت و نجات در گرو قرآن است.

﴿وَإِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ لَّكَ وَلِقَوۡمِكَۖ وَسَوۡفَ تُسۡـَٔلُونَ ٤٤﴾ [الزخرف: 44].

«قرآن برای تو (پیامبر) و قومات پندی است و بزودی (در مورد آن) از شما پرسیده خواهد شد».

پس باید به تعهد خویش با قرآن پایبند بود و همنشین آن شد و قلب خویش را به قرآن سپرد و با داشتن آن از هر چیز دیگری احساس استغنا نمود. با آن به خلوت نشست و هنگام شنیدن آیاتش و شنیدن وعظ و نصیحتهایش به گریه افتاد.

باید به تماشای زیبائیهای این کلام مقدس نشست! چه ترتیب خوب و نظم زیبایی! چه دقتی! چقدر حکیمانه و با چه سیاق و سباق جالبی! چه دلنشین است این سخن! معجزه آسا است! مختصر و مفید! بینظیر است! جایگاهی دست نیافتنی دارد! روان و

سلیس است پس باید از آن سیراب شد و در پرتو دستوراتش راه را پیدا کرد و از آنچه بازداشته است بازآمد باید بیماریهای قلبی و جسمی را با داروی قرآن معالجه نمود.

و باید با تأثر از قرآن جلسات، کنفرانسها، درسها و ادبیات خویش را سامان داد.

همچنین می‌طلبد که انسان مسلمان، احادیث پیامبر را فرا گیرد. بخدا سوگند که این علم مبارکی است و کسانی که با آن سر و کار دارند بهترینهای مردم‌اند و دارای سالم‌ترین راه و منهج بوده، گروه رستگار و طایفه‌ی منصوره هستند. پس باید احادیث را خواند و از روایتهای ضعیف و بی‌اساس پرهیز کرد و کتابهای معتبر سنت را مطالعه نمود. همچنین باید به برسی و شرح حال زندگی محدثین بزرگ همچون امامان چهارگانه و حسن بصری، سفیان ثوری، اوزاعی، یحیی بن معین، بخاری، مسلم و نویسندگان کتب سنن و پیروان آنها مانند ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب و دیگر پیشوایان دین پرداخت.

ـ نیز هر مرد و زن مسلمان را توصیه می‌کنم که محبت خدا را سرلوحه‌ی دیگر محبتها قرار دهند. هیچ‌کس را چون خدا و پیغمبر دوست نداشته باشند نه فرزندی، نه پدری، نه مادری، نه همسری، نه زمینی، نه منزلی، نه شغلی و نه مقامی را. این محبت را باید فرا گرفت و بدست آورد و با آن زندگی کرد. آنگاه کارهای دشوار آسان می‌گردد و خداوند به چنین انسانی مقام و جایگاه ویژه‌ای خواهد بخشید و همین بود امتیاز اصحاب رسول الله ص که در محبت الله کسی را شریک قرار نمی‌دادند.

همچنین توصیه می‌شود که انسان مسلمان فقط از الله بترسد و از هیچ چیز دیگری به اندازه‌ای که از خدا خوف و هراس دارند، نداشته باشند. و از خودداری از گناه و معصیت و آنچه موجب نارضایتی و خشم الهی می‌شود با یکدیگر رقابت ورزند و از کیفرهای دردناک اش باید بترسند. برخی از مردم ترسی را که باید از خدا داشته باشند از دیگران دارند و غیر خدا برای آنها مهم‌تر از خدا شده است چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَلَا يَسۡتَخۡفُونَ مِنَ ٱللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمۡ﴾ [النساء: 108]. «از مردم می‌ترسند ولی از خدا نمی‌ترسند در حالی که او همراه آنان است».

پس می‌طلبد که خوف خدا، لحظه‌ای از انسان مسلمان جدا نشود و خوف مطلوب آن است که انسان را از گناه و معصیت باز داشته، به طاعت و بندگی بکشاند.

همچنین باید مرد و زن مسلمان امیدشان به خداوند باشد. چشم طمع به فضل او بدوزند و در پی بدست آوردن از گنجینه های او بوده، نسبت به او گمان نیک داشته باشند. حقا که خداوند ارحم الراحمین است و همه‌ی گناهان را یکباره می‌بخشد و از کسیکه پشیمان شود و رو به او آورد می‌گذرد و قلم عفو بر گناهانش می‌کشد. پس باید بنده به آنچه نزد خداوند است چشم بدوزد و نباید از درگاه‌اش مأیوس و ناامید شود حتی اگر معصیت کار هم باشد.

همچنین باید انسان مسلمان چه مرد و چه زن در هر حال در تنگدستی و فراخی نعمت در خوشحالی و غم، شکرگزار خدا باشد. آنجا که نیاز به سپاسگزاری با زبان است با زبان شکرگزار باشد و لب به تعریف و تمجید خدا بگشاید و علاوه بر آن، سپاسگزاری قلبی است که باید معتقد باشد و یقین کند که نفع دهنده فقط خدا است و فقط او دور کننده‌ی مصیبتها و بلایا است و او کارها را سهل و آسان می‌نماید جز او نه خدایی وجود دارد و نه پروردگاری. همچنین باید به اعضا و جوارح بدن خویش به سپاسگزاری از خدا پرداخت با آنها بسوی معصیت خدا نرود و مرتکب گناه کبیره نشود بلکه آنها را در طاعت و بندگی خدا استفاده نماید.

ـ چیز دیگری که توصیه می‌کنم توکل بر خدا است. باید کارها را به خدا سپرد و در مقابل فیصله‌ی او سر تسلیم فرود آورد و این جمله را ورد زبان ساخت: ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾ [آل‌عمران: 173]. «خداوند برای ما کافی است و او چه خوب کارسازی است!».

واقعاً وقتی خداوند کارگشای کسی باشد او از دیگران چه باکی خواهد داشت پس نباید از غیر او ترسی به دل راه داد.

ـ و نیز باید از همنشینی با بدان، باطل اندیشان، اهل کارهای بیهوده و معصیت و کسانی که انسان را بسوی نافرمانی خدا می‌کشانند پرهیز کرد. چرا که همنشینی، رفاقت و آمد و شد با چنین انسانهایی، ضربه‌ی بزرگی به دیانت، ایمان و تقوای آدمی وارد نموده، او را به بی‌دینی و گناه سوق خواهد داد.

ـ توصیه می‌کنم به فراگیری و فهم دین چرا که طبق فرموده‌ی رسول اکرم ص: «هر کسیکه خداوند برایش خیری در نظر بگیرد، فهم و دانش دین نصیب اش خواهد کرد». پس می‌طلبد که انسان در مورد دین و مسایل مهم عبادی مانند نماز، روزه، زکات و حج و غیره به مطالعه و جستجو بپردازد و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نکند و هر گاه با دانشمند یا طلبه‌ای روبرو شد فرصت را غنیمت شمرده، بهره ای ببرد تا خدا را با بصیرت و دانش پرستش کند چرا که نادانی بیماری بزرگی است و علم و دانش یکی از بزرگترین چیزهایی است که خداوند به فراگیری آن توصیه نموده است.

همچنین توصیه می‌کنم در دعوت الی الله از همت والایی برخوردار باشید انسان مسلمان باید در راه نشر و دعوت دین دارای همت عالی باشد. فقط به فکر اصلاح خویش نباشد بلکه بعد از اصلاح خویشتن، خانواده، نزدیکان، همسایگان و مجتمع پیرامون خود را به پایبندی به دین دعوت کند تا جایی که برای هدایت همه انسانهای دنیا بیندیشد، چرا که ارزش انسان به اندازۀ همت او است و هر کس که می‌خواهد مردم را بسوی خدا دعوت کند شایسته است که از خویشتن آغاز نماید. جلوی کژروی و انحرافات خود را بگیرد و از پیروی خواهشات نفسانی بازآید و نفس خویش را با قرآن و سنت تزکیه نماید و ظاهر و باطن خود را اصلاح کرده، به آنچه می‌گوید عمل کند سپس آنچه را بدان دعوت می‌کند با دلایل شرعی و طبق منهج رسول خدا و صحابه بیاموزد. آنگاه در دعوت خویش مسایل مهم اسلامی را مقدم بدارد و مردم را قبل از هر چیزی به

ایمان به خدا و پیامبر و یگانه دانستن خدا در عبادت و اسماء و صفات و سایر افعال، فرا خواند سپس تصحیح نیت و اخلاص در عمل را به آنان آموزش دهد و گام به گام پیش برود و بیشتر وقت خویش را صرف تعلیم و تعلم و دعوت بسوی قرآن و سنت کند. گاهی مذاکره نماید و گاهی بنویسد و گاهی نامه نگاری کند و گاهی به تشریح و تدریس و گاهی به فتوا دادن و سخنرانی بپردازد و به همین منوال ادامه دهد تا اینکه زندگیش در راه خدا و برای خدا صرف شود. و اگر خداوند برایش زمینه دیگری برای خدمت فراهم کرد باید در آن از هیچ کوششی فروگذار نکند و بعد از ادای فرائض، همه وقت خویش را صرف انجام آن عمل بکند. مثلاً اگر برای کسی زمینه امر به معروف و نهی از منکر فراهم گردید باید اصول و موازین این مسئولیت را فراگیرد تا کارشناسانه وارد این مبحث شود و برای دیگران در آنچه بسوی آن دعوت می‌کند الگو باشد دارای اخلاقی نیکو، بوده در برخورد با مردم فروتن، نرمخو و خوش کلام باشد تا جزو دعوتگران واقعی و راستین بوده، شایسته‌ی مقام جانشینی پیامبران را در خود بوجود آورد.

و اگر خداوند برای کسی زمینه‌ی ایجاد صلح و آشتی میان مردم را فراهم کرد، به نیت برخورداری از پاداش الهی این کار را انجام دهد و آنرا یکی از بهترین کارها بداند و در این مورد از یادگیری روشهای جدید مانند گفتن سخنان خوب و راه یافتن به دلها، گفتگو و مجادله‌ی احسن و پیوند دادن دلها دریغ نورزد.

و اگر خداوند برای کسی زمینه‌ی انفاق مال را فراهم نموده است باید به کسب روزی حلال همت گماشته، در راه های خیر انفاق کند و مواردی را در نظر داشته باشد که بیشتر مستحق اند و این کار را صرفاً برای رضای خدا انجام داده، یقین بداند که آنچه را خرج می‌کند نزد خداوند خواهد یافت.

همچنین اگر کسی علاقه به ذکر خدا داشت، باید پایبند اوراد و دعاهایی باشد که در شریعت محمدی به اثبات رسیده است و با تمام وجود در این راه قدم بگذارد. گرچه

ذکر، عملی عمومی است و هر مسلمانی به اندازه‌ی توان خود ذاکر است ولی بعضی در این راه گوی سبقت از دیگران می‌برند تا جایی که ذکر خدا همیشه ورد زبانشان است.

همچنین اگر خداوند برای فردی ذوق مطالعه تاریخ را میسر نموده است باید به مطالعه و تدوین بخش مفید تاریخ پرداخته، بیشتر توجه خود را معطوف آن بخش از تاریخ بکند که کمتر مورد توجه دیگران بوده است تا کاری که انجام گرفته است تکرار نشود. و مسأله را با ارائه‌ی حقیقت و اصل مطلب بگونه‌ای مطرح کند که هم از اطاله‌ی بیهوده و هم از اختصار غیر مفید جلوگیری شود، ضمناً از ایراد سخنان و جملات پیچیده و غیر قابل فهم پرهیز نماید. رو به داستان گویی، مطالب ذوقی و عاطفی و اشعار و جمله های عاطفی بیاورد.

ـ همچنین توصیه می‌کنم که انسان باید با خدای خویش راست باشد و به اصلاح قلب خویش بپردازد. چرا که او فقط همین یک عمر را دارد پس باید تا می‌تواند به فکر اصلاح آن باشد بگونه‌ای که بتواند با قلبی سالم به ملاقات خدا برود. لذا می‌طلبد که قلب را از شرک، ریا، خودپسندی کبر و غرور، کینه توزی، فریبکاری و زرنگی و ترس ازغیر خدا و سایر صفات ناپسندیده، پاک و منزه ساخت. تا قلب، پاک گشته، آمادگی برای پذیرش نور هدایت ربانی داشته زمینی حاصل‌خیز برای بذر ایمان و گلهای توحید باشد، چرا که به اندازه‌ی پاکی دل، عمل نیک نزد خداوند پذیرفته می‌شود چنانکه رسول خدا می فرماید: «همانا در جسم آدمی قطعه گوشتی است که اگر سالم باشد همه‌ی اعضای جسم، سالم خواهند بود و اگر فاسد باشد همه‌ی اعضای جسم فاسد خواهند بود و آن قطعه گوشت، قلب است».

پس باید هر صبح و شام، به فکر این قلب بود. در هر عمل، نیت را باید بررسی کرد تا هیچ کاری برای غیر خدا انجام نگیرد هر سخنی و هر عملی صرفاً برای رضای خدا باشد. اگر واقعاً نیت صحیح باشد، خداوند کارها را آسان خواهد کرد.

و نباید قلب را با مشغولیتهای زیاد دنیوی مشغول ساخت. عده‌ای از مردم، در جمع آوری مال دنیا از همت بالایی برخوردار هستند. می‌بینید در هر ناحیه‌ای مالی انباشته اند دارای روابط مالی گسترده و شرکتهای زیادی می‌باشند ولی در دیانت، دعوت دین، خواندن نوافل، تلاوت قرآن، اصلاح قلب خویش و خانواده‌ی خویش، بی‌نهایت ضعیف می‌باشند. در حالی که در مسایل دنیوی خیلی توانا و کاردان بوده، هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهند و هیچ گاه احساس خستگی و سیری نمی‌کنند و شبانه روز با حرص و طمع بیشتر دنبال درهم و دینار می‌روند. برده‌ی آنان شده اند و افسار چشم و گوش و نیرو و هوش خود را بدست آن سپرده اند. این جز درماندگی و خسارت واقعی چیز دیگری نیست. اینها در امور دنیا چه قدر توانا! و در امور آخرت چقدر ضعیف و ناتوان هستند! چقدر تلاش برای بدست آوردن چیزی که بزودی فنا خواهد شد و چه قدر کند و تنبل در بدست آوردن آنچه که همیشگی است. آیا این جز خسارت و نابودی و ضعف بصیرت و خاموش خرد چیز دیگری است؟؟ و نیز لازم است که انسان، قلباً اسماء و صفات عالی خدا را مورد مطالعه و بررسی قرارداده، در مورد آنها به تفکر بنشیند و در سایه‌ی یکایک آنها زندگی کند. با دقت به عظمت، جایگاه و مفهوم هر اسم و صفت بیندیشد. مثلاً از خود بپرسد که معنی و مفهوم رحمان چیست؟ تأثیر آن بر روح و روان و زندگی چیست؟ همچنین صفت الرحیم، الواحد، الصمد، البر، الحسیب، الرقیب، القوی، الغنی و غیره هر یک از آنها را آنگونه که شایسته است مورد مطالعه قرار دهد، چرا که این علم، نزد محققین و اهل عرفان جزو مهم‌ترین و بزرگترین و با ارزش‌ترین علوم بحساب می‌آید.

همچنین شایسته است که انسان در هر یک از مقامهای ایمان توقفی داشته باشد مانند مقام توکل، محبت، خوف و رجاء و در آنجا با دقت و تدبر از خود بپرسد که در کجای این مقامها قرار دارد. آیا به معنی واقعی آنها پی برده و حق مطلب را بجا آورده است. آیا اینها فقط کلمات و جملاتی تهی از معنی است که بر زبان آورده می‌شود یا اینکه آنها

فراتر از یک لفظ، دارای معانی مهمی هستند که باید به حقیقت تبدیل شده، قلب بدان معتقد شود و اعضای بدن آنرا انجام دهد. اگر واقعاً کسی به این درجه برسد که بتواند معانی حقیقی اینها را پیاده کند بی‌گمان او جزو هدایت یافتگان است.

ولی اگر اینها را بدون فهم معانی و تدبر صحیح بیاموزد سود چندانی نخواهد داشت. در اینجا لازم است دوباره به خواندن قرآن و تدبر در آن دعوت کنم چرا که در آن اخبار دنیا و آخرت وجود دارد. در قرآن، أسماء حسنی و صفات الهی و مقامات ایمان و عاقبت نیک بختان و فرجام بد نگون بختان و اسباب نجات و اسباب نابودی و آنچه مورد پسند الهی است و آنچه مورد نارضایتی او است همه‌ی اینها بیان شده است که این خود دلالت بر مشمولیت این کتاب دارد که جز به سنت رسول گرامی اسلام که خود نیز بخشی از وحی الهی است نیاز به چیز دیگری ندارد.

باز هم تکرار می‌کنم که لحظه‌ها و دقایق زندگی خود را جز در کارهای مفید جای دیگری صرف نکنید دنبال کاری بروید که مفیدتر باشد.

همچنین باید انسان، مواظب شیطان و راههای نفوذ و وسایل فریبنده‌ی آن باشد. و مواظب نفس اماره و خواهشات نفسانی و آنچه خشم و غضب الهی را ببار می‌آورد باشد. از گناه دست بردارد و نفس سرکش خویش را تأدیب نماید و بخاطر کوتاهی در اطاعت خدا، متأسف، پشیمان و نادم بوده، از گناهان توبه کرده، رو به پروردگار خویش بیاورد و کاری کند که گناهانش به نیکی تبدیل گردد و زمام عمر باقیمانده‌ی خود را بدست گیرد و بخاطر زیاده رویهایش پشیمان شده خود را برای ملاقات با پروردگارش آماده سازد و توشه‌ای برگیرد که فایده‌ای برایش داشته باشد و برای حضور در محضر خدا آماده بوده به محاسبه‌ی خویش قبل از محاسبه‌ی کبرای قیامت بپردازد.

همچنین توصیه می‌شود که در پی اسباب محبت خدا باشیم مانند پایبندی به ادای فرائض با خشوع و فروتنی در اوقات اش و سنت را در ادای آنها رعایت کند و عبادت واقعی را به نمایش بگذارد. علاوه بر آن باید از نوافل نیز زیاد بهره گرفت و آنها را به

نحو احسن ادا کرد. همچنین باید همیشه و زیاد ذکر کرد و اوقات خویش را با آن مشغول ساخت و آنچه از کتاب خدا حفظ کرده است باید تکرار نمود و در آن به تدبر نشست و سنت و احادیث صحیح را باید فرا گرفت و از احادیث ساختگی و بی اساس جدا باید پرهیز کرد.

با انسانهای نیک و صالح باید سرو کار پیدا کرد وآنان را دوست داشت که در رأس همه‌ی آنها سرور ما محمد رسول الله و دیگر پیامبران الهی ‡ و بعد از آنها اصحاب پیغمبر و تابعین هستند. همچنین قیام اللیل را نباید از یاد برد حتی اگر دو رکعت باشد و حداقل بعضی از روزه های نفلی را نیز باید روزه گرفت تا از گرمای آن روز دشوار جلوگیری شود.

همچنین نباید مطالعه‌ی سیرت رسول اکرم و موانعی را که ایشان در راه دعوت با آن مواجه گردید، فراموش کرد. و نیز علم را باید از اهل آن و متخصصین فن فرا گرفت و در دروس علمی و مجالس وعظ و نصیحت باید شرکت جست و نوار سخنرانی علماء را گوش کرد و به تفکر در مورد آیات شرعی و آیات هستی خدا پرداخت. بگونه‌ای که هر گاه با یکی از مخلوقات الهی روبرو شد باید عظمت، دقت عمل و حکمت خداوند را به یاد بیاورد و بالآخره باید سکوت انسان، به اندیشه و نگاهش به عبرت و سخن‌اش به ذکر الهی ختم شود.

همچنین انسان باید حقوق را به صاحبان آن برگرداند و خود را کاملاً بریء الذمه قرار دهد قبل از آنکه در قیامت نیکی هایش از او سلب گشته، بدیهای دیگران در پرونده‌اش ثبت گردد. بنابراین اگر کسی از او مال و ملکی می‌طلبد باید آنها را به صاحبانش برگرداند. اما اگر به کسی ناسزا گفته یا از او به بدی یاد کرده و غیبت‌اش را کرده است باید برای او طلب آمرزش نماید و در حق او دعای خیر کند و درهمان محافلی که از او به بدی یاد کرده اکنون از او به نیکی یاد کند.

همچنین مسلمان باید از رذایل اخلاقی و خصلتهای یهودیان مانند نیرنگ و فریبکاری و کلاه گذاری و سخن چینی و بدگویی برادران خود پرهیز نماید و از خطا و لغزش آنان شادمان و خوشحال نشود. اینگونه خصلتها، متعلق به انسانهای پست و دشمنان خدا می‌باشند نه متعلق به مؤمنان شجاع و نیکوکار که خیرخواه و مواظب برادران خود می‌باشند و از آنها به نیکی یاد می‌کنند و همیشه جواب مثبت عملکرد آنان را مدنظر دارند و اگر از برادرانشان خطائی سرزد شود متأسف و نگران می‌شوند و از خدا برای آنان آرزوی موفقیت و دعای خیر می‌کنند و تلاشهای آنان را ارج می نهند و در امور خیر و تقوا آنان را یاری می‌دهند.

و نیز باید از تلف کردن وقت خویش در کارهای غیر مفید و چیزهایی که انسان را از تلاوت کتاب خدا باز می‌دارند حتی اگر مباح باشند پرهیز کرد تا چه رسد به کارهای غیر مباح و مضر مانند موسیقی، دیدن فیلمهای برهنه و نیمه برهنه و خواندن مجله ها و داستانهای عاشقانه و همنشینی با انسانهای پست و بی غیرت که بیانگر خسارت و نقصان واقعی است.

وصیت ویژه برای جویندگان علم و دانش:

بعد از رعایت تقوای الهی او را به تلاش و جدیت و پشت کار در تحصیل علم و حفظ کتاب الهی یا بخشهایی از آن و حفظ پاره‌ای از احادیث رسول خدا توصیه می‌کنم.

و باید دنبال دلیل صحیح از کتاب خدا و سنت رسول خدا باشد و از تقلید و تعصب مذهبی دوری کند.

باید بزرگترین دغدغه طالب علم شناخت و تشخیص هدف خدا و پیامبر باشد و بر کتاب خدا و سنت رسول خدا، رأی و سخن احد الناسی را هر کس باشد، مقدم ننماید حتی اگر آن فرد جزو بزرگان صحابه باشد (تا چه رسد به دیگران).

همچنین به طالب علم توصیه می‌کنم که عمل کننده بر علم خویش باشد تا خداوند به علم‌اش برکت دهد و آنرا مثمر بگرداند و به وی علم بیشتری نصیب کند سپس جهت نشر و تبلیغ علمی که کسب کرده است قدم بردارد و آنرا به بهترین شیوه و بدور از خشونت و تندی و کبر و غرور بلکه با مهربانی، فروتنی و نرمی به دیگران منتقل نماید.

او باید عالمی ربانی باشد و جز برای حق و مذهب پیامبر و صحابه، نسبت به هیچ گروه، مذهب و جماعتی تعصب نداشته باشد.

باید طالب علم دارای کتابخانه‌ای باشد که در آن منابع هر فنی وجود داشته باشد و او همواره در مطالعه، تحقیق، بحث و مذاکره بسر برد و دلایل را بررسی کرده، قوی را از ضعیف تشخیص دهد تا در مسایل از دقت و رسوخ علمی بهرمند شود و نباید در مورد مسأله‌ای بدون داشتن اطلاع کافی، لب به سخن بگشاید و اظهار نظر بکند.

همچنین جدا باید از شتاب ورزی در فتوا دادن و از آرزوی رسیدن به منصب و شهرت و ارتزاق از راه علم، بپرهیزد. همانطوری که باید از کتمان علم و افتخار به آن و زراندوزی بوسیله علم نیز اجتناب ورزد.

خلاصه اینکه عالِم باید ربانی، محمدی، پیرو راه رسول الله، صحابه و پیشوایان دین بوده، پایبند به راستی، اخلاص و عمل باشد.

و درود خدا بر پیامبر ما محمد ص و آل و اصحابش

پایان ترجمه 13 ذیحجه 1430 هـ. ق. زاهدان